

رمزگشایی نقوش تزئینی ظرف سفالی عصر سامانی محفوظ در موزه هنر شیكاگو

چکیده

نیشابور در عصر سامانیان یکی از مراکز بزرگ صنعت سفالگری محسوب می‌شد. تولیدات این منطقه در قرون سوم و چهارم از نظر تزئینات متنوع روی سفال دارای اهمیت می‌باشند. پژوهش حاضر در صدد بررسی و مطالعه تزئینات یک سفال نادر منقوش دوره سامانی از نیشابور است که هم اکنون در مؤسسه هنر شیكاگو نگهداری می‌شود. این پژوهش از نظر ماهیت کیفی است. داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند و تحلیل آن‌ها به شیوه توصیفی و تحلیلی می‌باشد. بر این اساس، ابتدا توصیف ویژگی‌های صوری تصاویر صورت گرفت و سپس با اتخاذ رویکرد شمایل‌شناسانه و با هدف آشکارسازی مضمون اصلی سفالینه منقوش موردنظر، به مطالعه برخی از بارزترین ویژگی‌های فرهنگی عصر سامانیان پرداخته شد. نتایج حاکی از آن است که پهنه سفال مورد پژوهش به نمایش زوجی در حال اجرای موسیقی و شعرخوانی اختصاص پیدا کرده است. اشعار بزمی در عصر سامانیان میان مردم عادی رواج داشت و مضمون اصلی نقوش این سفالینه الهام گرفته از پدیده‌ای اجتماعی و مردم پسند در عصر خود می‌باشد. در آن عصر شاعران بزمی و خنیاگران با تلفیق شعر و موسیقی به میدان‌داری و مجلس‌گردانی در میان مردم مشغول بوده‌اند. از طرفی باتوجه به رونق تجارت سفال در عصر سامانیان، انتخاب موضوعات عامه پسند جهت فروش سفالینه‌های تولیدشده می‌توانست در اقبال سفارش‌دهندگان و مخاطبان به این محصولات، تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در نهایت می‌توان استنباط کرد که برخی جنبه‌ها و گرایش‌های فرهنگی جامعه آن روزگار در انتخاب مضامین سفالینه‌های منقوش نیشابور در عصر سامانیان دخیل بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. معرفی و بررسی تزئینات یک سفال نادر منقوش دوره سامانی از منطقه نیشابور.
۲. تبیین مضمون نقوش ظرف مذکور و جایگاه آن در انعکاس محیط فرهنگی عصر سامانی با کاربری روش شمایل‌شناسی

سؤالات پژوهش:

۱. ویژگی‌های صوری و مضمونی تزئینات سفال مذکور چیست؟
۱. جایگاه نقوش این سفال در انعکاس گوشه‌هایی از محیط فرهنگی مردمان عصر سامانی چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: هنر سامانیان، نیشابور، سفالینه منقوش، شمایل‌شناسی.

مقدمه

انسان‌های نخستین به نیت ذخیره و نگهداری مواد غذایی و آب، اولین آثار هنری را با دست از ترکیب خاک رس و آب به وجود آوردند. این احجام سفالین اولیه به مرور زمان همراه با تکامل تمدن انسان دچار دگرگونی و تحول به لحاظ تکنیک ساخت، لعاب، نقوش تزئینی و شیوه کاربرد شدند و تا زمانی که به دست ما رسیدند مسیری به درازای تاریخ را طی کرده‌اند. ورود اسلام به فلات ایران باعث رونق هرچه بیشتر این هنر در سرزمین ایران شد. در قرون سوم و چهارم هجری هنر سفالگری خصوصاً در شهر نیشابور رواج بسیاری داشت. آثار سفالین کشف شده از نیشابور نشان‌دهنده اوج تکنیک این هنر در این شهر می‌باشد. تکنیک و مضمون نقوش تزئینی این سفال‌ها بسیار قابل تأمل هستند و نشان می‌دهد که با وجود تأثیر هنر چین، همچنان در روند تکامل هنر ایرانی از هنر ساسانی پیروی می‌کنند. این مطلب در تطبیق نقوش آثار هنری دو تمدن به وضوح قابل شناسایی و رؤیت می‌باشد. نقوش تزئینی سفالینه‌ها همواره در دوره‌های مختلف متأثر از فرهنگ و اعتقادات حاکم در آن دوره بوده است و جهت شناسایی و ارتباط با این نقوش می‌بایست در بستر جامعه و اعتقادات مردم آن زمان مورد مطالعه قرار گیرند. هنر سفالگری نیشابور در سده سوم و چهارم، علاوه بر تنوع در تکنیک‌های ساخت، دارای تنوع بیشمار در تزئینات روی سفال می‌باشد و می‌توان آن‌ها را به لحاظ تزئین در سه گونه (۱- دارای نقوش تصویری؛ ۲- کتیبه‌دار؛ ۳- ترکیبی) مورد بررسی قرار داد. این پژوهش درصدد رمزگشایی نقوش تزئینی یکی از سفال‌های منحصربه‌فرد دوره سامانی در نیشابور است که اکنون در مؤسسه هنر شیکاگو نگهداری می‌شود. (تصویر شماره ۱) به همین جهت با استفاده از رویکرد شمایل‌شناسی خصوصاً نظریات اروین پانوفسکی به خوانش و مطالعه نقوش تزئینی سفال موردنظر با هدف بررسی نقوش و همچنین تبیین مضمون و جایگاه احتمالی آن در انعکاس محیط فرهنگی عصر سامانی خواهیم پرداخت. لذا جهت تحقق این موارد سعی بر این است تا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود؛ ویژگی‌های صوری تزئینات سفال مذکور چیست؟ مضمون اصلی تزئینات سفال موردنظر این پژوهش کدام است؟ جایگاه نقوش این سفال در انعکاس گوشه‌هایی از محیط فرهنگی مردمان عصر سامانی چگونه است؟

این سفال حاوی نقوش بسیار نادری است که عدم مطالعه و بررسی آن از جانب محققان داخلی و خارجی، لزوم این پژوهش را مهیا کرد. در روند پژوهش ابتدا به توصیف و شناسایی نقوش تزئینی مذکور پرداخته می‌شود. در گام‌های بعدی مضمون اصلی مستتر در این تزئینات در لابه‌لای صفحاتی از تاریخ فرهنگی سامانیان واکاوی می‌شود. در نهایت سعی می‌شود تا با استفاده از رویکرد شمایل‌شناسی از ارتباط میان محتوای پنهان تصویر با لایه‌هایی از واقعیت‌های فرهنگی عصر سامانی پرده برداری شود. این پژوهش از نوع کیفی محسوب می‌گردد و روش گردآوری داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی میدانی از طریق مشاهده عینی است و تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی تحلیلی می‌باشد. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که پژوهش‌های قابل تأملی در حوزه سفال و نقشینه‌های سفال ایرانی صورت گرفته است و تعدادی از آن‌ها که به حوزه این پژوهش ارتباط بیشتری داشتند به شرح ذیل مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند. همپارتیان و همکاران (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان "نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی

سفالینه‌های نیشابور (قرون چهارم و پنجم هجری قمری) "، به شناسایی و دسته‌بندی نقوش تزئینی سفالینه‌های نیشابور پرداخته و تحلیل و بررسی نقش‌مایه‌ها، ترکیب‌بندی و شیوه‌های اجرای نقوش سفالینه‌های فوق را در بستر سیاست، مذهب و تحولات اجتماعی زمان پیدایش آن‌ها مورد مطالعه قرار داده‌اند. چنگیز و رضالو (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)" به مطالعه و بررسی نقوش تزئینی جانوری بر روی سفالینه‌های نیشابور پرداخته و ضمن تحلیل ساختاری هر نقش، مفهوم نمادین و همچنین تأثیرپذیری مستقیم آن‌ها از نقوش ماقبل اسلام را بررسی و تشریح کرده‌اند. عطایی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خویش با عنوان "سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ گذاری)"، به بررسی و مطالعه نوعی خاص از سفال با عنوان گلابه‌ای در دوره سامانیان پرداخته و به جهت تزئینات، ساختار و تکنیک ساخت به گونه‌شناسی آن خصوصاً در حوزه نیشابور پرداخته‌اند. قوی‌پنجه (۱۳۹۴) در مقاله خویش با عنوان "بررسی مفاهیم نقوش ظروف سیمین دوره ساسانی و تأثیر آن بر سفال دوره سامانی"، به مطالعه نقوش تزئینی سفالینه‌های سامانی و نیشابور پرداخته و تأثیر آن را از نقوش تزئینی آثار فلزی دوره ساسانی بررسی کرده‌اند. میرزایی و مرادخانی (۱۳۹۸) در مقاله خویش با عنوان "بازتاب مهرپرستی در نقوش سفال‌های نیشابور در دوره سامانیان"، به مطالعه و بررسی تزئینات سفال نیشابور پرداخته و ریشه آن‌ها را در ایران باستان به‌خصوص آئین مهرپرستی جستجو کرده‌اند. عسکری و همکاران (۱۳۹۹) در رساله دکتری با عنوان "باورهای آخرالزمانی در سفالینه‌های منقوش نیشابور"، به مضمون شناسی آثار سفالین نیشابور پرداخته و مضمون آخرالزمان را در این آثار مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند. باید اظهار داشت که در قیاس با مطالعات فوق، مقاله پیش رو برای اولین بار است که به معرفی ظرف موردنظر به‌عنوان یکی از آثار بارز دوره سامانیان نظر می‌پردازد. همچنین از لحاظ روش‌شناسی و متعاقباً نتایج پژوهش، تفاوت آشکاری با پیشنه‌های ذکر شده دارد.

نتیجه‌گیری

باتوجه‌به کمبود مستندات به‌جامانده از برخی ادوار کهن، تصاویر مصور راه پیدا کرده به اشیائی مانند سفالینه‌های منقوش، به‌عنوان منابع منحصربه‌فردی از تاریخ اجتماعی مردمان گذشته محسوب می‌شوند. بر این اساس کنکاش در واسطه‌هایی که تاحدی دور از ذهن هستند؛ از جمله تصاویر ظروف سفالی، رابطه میان هنر و واقعیت‌های مادی را قابل پیگیری خواهد کرد. اگرچه این اشیاء میانجی‌های متعارفی برای انتقال موضوعات واقع‌گرایانه به‌شمار نمی‌آیند، اما ظرفیت این را داشته‌اند تا با خلاقیت هنرمند به قلمرویی برای همراهی مضامین مورد پسند و پرطرفدار در عصر خود تبدیل شوند. نقش‌پرداز سفالینه مورد بحث با شیوه‌ای خط‌پردازانه توانسته در فضایی تزئینی، عناصر مختلف و پرتعدادی اعم از نقوش گیاهی، انسانی، جانوری، اشیاء، نوشتار و نقوش تجریدی را به‌گونه‌ای چشم‌نواز و مطلوب به‌کار بگیرد، که این امر نشان از مهارت و تسلط وی بر سامان دادن کلیت تصویر دارد. باتوجه‌به مضمون‌شناسی و رمز گشایی نقوش و تزئینات سفال مذکور و تحلیل‌های انجام شده در روند پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مضمون اصلی نقوش تزئینی این سفالینه در وهله نخست الهام گرفته از پدیده‌ای اجتماعی و مردم پسند

در عصر خود می‌باشد. پهنهٔ سفال به نمایش زوجی در حال اجرای موسیقی و شعرخوانی اختصاص پیدا کرده است. در اهمیت این موضوع باید اشاره شود که در طول سده‌ها قبل و بعد از اسلام علاوه بر شاعران بزمی، خنیاگران نیز با تلفیق شعر و موسیقی به میدان‌داری و مجلس‌گردانی در میان مردم مشغول بوده‌اند. اشعار بزمی و خمریات در عصر سامانیان میان حامیان درباری و مردم عادی رواج داشته و این فضای فرهنگی، رقم‌زدن اصطلاحاتی مانند "نوش کن" را توجیه پذیر می‌سازد. از طرفی موقعیت ویژه سرزمین تحت حاکمیت امیران سامانی باعث رونق تجارت سفال در آن عصر گشته بود، لذا انتخاب موضوعات عامه‌پسند جهت فروش سفالینه‌های پرتعداد تولید شده در مراکزی چون نیشابور، می‌توانست در اقبال سفارش‌دهندگان و مخاطبان به این تصاویر تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

فهرست منابع و مآخذ:

ادامز، لاری اشنایدر. (۱۳۹۴). درآمدی بر روش‌شناسی‌های هنر، مترجم: شهریار وقفی‌پور، تهران: مینوی خرد.

پاکباز، رویین. (۱۳۸۰). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.

پانوفسکی، اروین. (۱۳۹۵). شمایل‌نگاری و شمایل‌شناسی: درآمدی بر مطالعه هنر رنسانس. معنا در هنرهای تجسمی مترجم: ندا اخوان اقدام، تهران: نشر چشمه.

چنگیز، سحر و رضالو، رضا. (۱۳۹۰). "ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)"، فصلنامه هنرهای زیبا، دوره ۴، شماره ۴۷، ۳۳-۴۴.

خلف، حسن و حسینی، محمدباقر. (۱۳۹۳). "نقد و بررسی مضامین خمریات عربی شعرای خراسان در قرن چهارم و پنجم هجری"، فصلنامه علمی ادب عرب، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۲-۱۰۹.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: فردوس، مجید.

فرای، ریچارد. (۱۳۶۳). عصر زرین فرهنگ ایران، مترجم: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.

کریستین‌سن، آرتور. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان، مترجم: رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران: صدای معاصر.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف. (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

عطایی، مرتضی؛ موسوی حاجی، سیدرسول و کولابادی، راحله. (۱۳۹۱). "سفال منقوش گلابه‌ای (انواع، گستردگی، تاریخ‌گذاری)"، فصلنامه علمی نگره، دوره ۷، شماره ۲۳، ۷۱-۸۸.

عسکری الموتی، حجت‌الله و همکاران. (۱۳۹۹). باورهای آخرالزمانی در سفالینه‌های منقوش نیشابور، رساله دکتری پژوهش هنر، دانشگاه شاهد، دانشکده هنر.

قوی‌پنجه، زهرا. (۱۳۹۴). "بررسی مفاهیم نقوش ظروف سیمین دوره ساسانی و تأثیر آن بر سفال دوره سامانی"، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، مالزی.

موسوی، احمد و قلی‌پور، فرزانه. (۱۳۹۰). "بررسی وضع زبان و ادب فارسی در سه قرن نخست هجری (طاهریان، صفاریان، سامانیان)"، فصلنامه علمی پژوهش در تاریخ، دوره ۲، شماره ۴، ۲۹-۴۴.

میرزایی، بنفشه و مرادخانی، علی. (۱۳۹۸). "بازتاب مهرپرستی در نقوش سفال‌های نیشابور در دوره سامانیان"، فصلنامه علمی رهپویه هنر، دوره جدید، شماره ۲، ۴۷-۵۷.

ناجی، محمدرضا. (۱۳۸۰). سامانیان: دوره‌ی شکوفایی فرهنگ ایرانی - اسلامی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۹۰). "پیشینه‌شناسی تحلیلی آیکونوگرافی از سزار ریپا تا امیل مال". نقدنامه هنر، شماره ۱، ۵۰-۶۵.

نصری، امیر. (۱۳۹۲). "خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی"، فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۶، ۲۰-۷.

ویلکینسون، چارلز ک. (۱۳۸۵). رنگ و طرح در سفالینه‌ی ایرانی، در: اوج‌های درخشان هنر ایران، ریچارد اتینگهاوزن، احسان یارشاطر، مترجم: هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: نشر آگاه.

هادی‌زاده، رسول. (۱۳۷۷). رودکی و دوره نو زبان فارسی، در سامانیان و احیای تمدن فارسی تاجیکی، دوشنبه: نشر فرهنگ نیاکان.

همپارتیان، تیرداد و شایسته‌فر، مهناز و خزایی، محمد. (۱۳۸۲). نقوش انسانی، حیوانی و گیاهی سفالینه‌های نیشابور (قرون چهارم و پنجم هجری قمری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

یارشاطر، احسان. (۱۳۹۳). تاریخ ادبیات فارسی، مترجم: مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.

Asimov, M.S. (۱۹۹۹). History of Civilization in Central Asia. Motilal Banarsidass Pub.
https://archive.artic.edu/plotnick/selected_۰۹.html
 URL ۱: https://archive.artic.edu/plotnick/selected_۰۹.html